



تیکس: Gettyimages

بازیگر دنیای موازی

نگاهی به رابطه رضا پهلوی با اسرائیل و تحلیل هایی که در پی داشته است

▼ توصیه اسرائیلی ها به دوری پهلوی

گرایش پهلوی به اسرائیل، البته پدیده نوپایی نبود. او پیشتر هم به سمت اسرائیل رفته و سفرهایی هم داشته. رضا پهلوی اولین بار در دهه ۱۹۸۰ به سمت اسرائیلی ها رفت و به آرل شارون، وزیر دفاع وقت اسرائیل و نخست‌وزیر سال‌های بعد این رژیم پیشنهاد برنامه‌ای برای سرنگونی حکومت ایران را داد. در دوران دولت اول جورج دبلیو بوش و باز قدرت‌گیری نتوکان‌ها در این دولت، پهلوی دوباره به سراغ ارتباط با اسرائیل و استفاده از آن جهت پیشبرد موضعش در آمریکا رفت. او در این مقطع با شارون، بنیامین نتانیاو و موشه کاتساو دیدار داشت اما در نهایت نتوانست نظر آن‌ها را جلب کند. پهلوی حتی در سال ۲۰۰۳، به سراغ کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل یا همان ایکم معروف رفت تا در نشست آن‌ها سخنرانی کند. ایکم، لابی غیررسمی و قدرتمند اسرائیل در آمریکاست که از سیاستمداران حامی اسرائیل در آمریکا حمایت گسترده می‌کند و در مقابل آن‌هایی که در مقابل اسرائیل قرار گیرند، رقبا را تقویت می‌کند. طبق این گزارش، ایکم درخواست پهلوی را با دلیلی جالب توجه رد می‌کند: سخنرانی او در نشست سالانه این کمیته، به برند ملی گرای ایرانی پهلوی آسیب خواهد زد. به عبارت دیگر، بزرگترین نهاد حامی اسرائیل در آمریکا، بیش از ۲۰ سال پیش، به پهلوی تذکر می‌دهد که دیده‌شدن او در کنار اسرائیلی‌ها، برای اعتبار او به عنوان چهره‌ای مدعی ملی‌گرایی و ایران‌دوستی، آسیب‌زا است. او فرمان را بعدتر چرخاند، در سال ۲۰۱۵، از برنامه جامع اقدام مشترک، با همان برجام و رفع تحریم‌های حاصل از آن، حمایت کرد و در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی، وجود این توافق را مثبت خواند؛ اما با آغاز دولت اول ترامپ، پهلوی باز به سمت حامیان تقابل با ایران چرخید و اطرافش هم از مشاورانی پر شد که خواستار رابطه با اسرائیل بودند. از همان زمان از اطراف جریان پهلوی، زمزمه‌های حمایت از تقابل قهری با ایران شنیده شد.

▼ گزینه یا ابزار؟

مسئله دیگری که در این میان حائز اهمیت است، سمت دیگر این خط ارتباطی است. آیا رضا پهلوی واقعاً به عنوان گزینه‌ای برای تغییرات بنیادین در ایران، مورد سرمایه‌گذاری قرار گرفته است؟ به نظر می‌رسد او داخل و خارج از ایران حمایت کافی برای چنین اقدامی ندارد. لوموند، نشریه فرانسوی درباره او می‌نویسد که پهلوی هر گاه حکومت ایران در معرض خطر دیده می‌شود، بر صفحه تلویزیون‌ها ظاهر می‌شود. لوموند اشاره می‌کند که آتش‌بس اعلام‌شده از سوی ترامپ، پهلوی را غافلگیر کرده است. این رسانه می‌نویسد حتی در میان چهره‌های پیشتر منتسب به جریان سلطنت‌طلبی هم یکی دو چهره، حمله اسرائیل را محکوم کرده‌اند اما شخص پهلوی

است و درست در میانه همین روند است که رضا پهلوی تصمیم گرفته در یکی دیگر از جنگ‌های اسرائیل، در کنار این رژیم باشد، در وضعیتی که هم در افکار عمومی داخلی و هم در افکار عمومی جهانی، جایگاه اسرائیل شیب منفی دارد و مقاماتش در دادگاه‌های بین‌المللی محکومیت دارند. مسئله ادعاهای رضا پهلوی درباره ایران، در جای خود بررسی شده و می‌شود اما در ادامه این نوشته، قصد داریم نگاهی به رابطه رضا پهلوی با اسرائیل داشته باشیم و به قرارگرفتنش در کنار این رژیم، در شرایطی که بمب‌هایش را روی ایران می‌ریخت. آنچه در مرور رسانه‌ها و روایت‌ها مشخص می‌شود این است که این چهره، نه در زمان جنگ و نه حتی در سه سال اخیر که از مدت‌ها پیش، رابطه با اسرائیل و استفاده از آن برای پیشبرد برنامه‌های خود را در نظر داشته است. اقدامات او در جهت ارتباط با اسرائیل برای بخش مهمی از افکار عمومی، از سال ۱۴۰۱ مورد توجه قرار گرفت، اما سابقه داستان، قدمتی‌تر از این‌ها بود.

▼ تعامل علنی به امید فرصت

ماجرای نشست معروف دانشگاه جورج تاون، البته مکرر است و از حوصله این نوشته خارج، اما دو ماه بعد از آن نشست و بعد از فروپاشی زود هنگام ائتلافی که بنا بود در آن اعلام شود، رضا پهلوی به همراه همسرش راهی سرزمین‌های اشغالی شد تا با مقامات اسرائیل دیدار کند. الجزیره گزارش می‌دهد، هماهنگی این سفر از سوی مشاوران پهلوی، سعید قاسمی‌نژاد و امیر اعتمادی انجام شده بود که در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، یا همان اف‌دی‌دی، اندیشکده دست راستی آمریکایی کار می‌کردند. اندیشکده‌ای که مدت‌هاست، حامی اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران بوده است. پهلوی‌ها در این سفر عکس چهارنفره‌ای هم با بنیامین نتانیاو و سارا نتانیاو، همسرش گرفتند تا تأکید بیشتری برای رابطه حسنه بین این دو چهره شده باشد. او به سبک سیاستمداران غربی، اعم از مسیحی و یهودی که به سرزمین‌های اشغالی سفر می‌کنند، به دیوار ندبه نیز سر زد، اما البته از مسجداً لاقصی، در چند قدمی همان دیوار، بازدید نکرد.

سینا طوسی، کارشناس مسائل ایران در «مرکز سیاست‌گذاری بین‌الملل» یا سی‌آی‌پی این روابط را نشانه دیگری از دوری رضا پهلوی از فضای ایران می‌داند و معتقد است این اقدامات به وجهه او و جریانش آسیب زده‌اند: «به‌طور خلاصه، آنچه در جریان سلطنت‌طلبی ایران در حال وقوع است، اتحادی آشکار، مشهود و علنی با اسرائیل است. [رضا پهلوی] در واقع تنها چهره اپوزیسیون شد که حامی اسرائیل بود.» در واقعیت اما احتمالاً رضا پهلوی سابقه‌دارترین چهره در این زمینه نیز بود.



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

«واقعاً دارید می‌گویید بمباران اسرائیل در کشور شما، کشته‌شدن غیرنظامیان، اتفاق خوبی است؟» ویدئوی این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی از رضا پهلوی در میانه جنگ اخیر ایران و اسرائیل، در همان روزها بسیار دیده شد، صحنه چهره متعجب خبرنگاری که در لحنش هم این تردید مشخص است. مصاحبه‌شونده اما باز در مقام پاسخ به دفاع از اسرائیل می‌پردازد و مدعی می‌شود که هدف این رژیم آسیب‌زدن به مردم ایران نیست. رضا پهلوی، در روزهای جنگ ایران و اسرائیل به عنوان چهره‌ای ایرانی، میراث‌دار حکومت پیشین ایران و همچنان مدعی، در روزهای جنگ و در میانه حملات اسرائیل، به این مصاحبه و نوشته‌های مشابهش شناخته شد که در آن‌ها، حملات اسرائیل را محکوم نمی‌کرد و بلکه وضعیت جنگی را فرصتی برای خود و جریانش می‌دید.

صحبت‌های رضا پهلوی در این مصاحبه البته با واکنش‌های بسیاری در میان ایرانیان مواجه شد اما در این میان، مقام یک کشور خارجی نیز با ادبیاتی تند و کم‌سابقه او را نواخت. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان با اشاره به ادعای پهلوی درباره حمایت مردم ایران، از او خواست اگر واقعاً چنین است، [...] نشان دهد و به ایران برود. او پهلوی را «انگل» «امپریالیست» و کلمات دیگر خطاب کرد. او ابتدا از کلمه «خان» در وصف رضا پهلوی استفاده کرده بود اما متن خود را ویرایش کرد و کلمه‌ای توهین‌آمیزتر جایگزین آن کرد. ادبیات تند او البته با واکنش منفی برخی هم مواجه شد. به جز آن‌هایی که از موضع حمایت از رضا پهلوی یا اسرائیل حرف زده بودند، برخی از کلماتی که عاصف به کار برده بود ابراز تعجب کرده بودند و از او خواسته بودند این متن را بردارد اما او در نوشته بعدی، بر موضع خود پافشاری هم کرد: «تأسف‌آور است که بعضی‌ها نگران تعارضات کلامی هستند، وقتی جلوی چشم «دنیای متمدن»، نسل‌کشی در جریان است و هزاران کودک بدون توقف سلاخی می‌شوند، این یک دورهمی شام نیست که لازم باشد حواس آدم به زبان و آداب معاشرت باشد. پهلوی در کنار نتانیاو ایستاده، یک دیوانه نسل‌کش. تنها چیزی که لایقش است نفرت است و لا غیر.»

توضیحات وزیر دفاع پاکستان حاکی از این است که در میانه جنگ اسرائیل با ایران هم برای بسیاری خارج از ایران، همچنان مسئله فلسطین معیار تشخیص به حساب می‌آید. این نکته از این زاویه‌شایان توجه است که در دو سال اخیر، موضع اسرائیل در افکار عمومی جهان و در مواضع برخی چهره‌ها نیز آسیب جدی دیده



تریتا پارسی
بنیانگذار شورای ملی
ایرانی آمریکایی‌هاو
کارشناس اندیشکده
کوئینسی می‌گوید
او فکر نمی‌کند
اسرائیل واقعاً باور
داشته باشد، ممکن
است روزی پهلوی بر
ایران حکومت کند.

او فقدان حمایت
عمومی، داخل و
بیرون از ایران را
دلیل این موضوع
می‌داند و معتقد
است، اسرائیل صرفاً
از او استفاده می‌کند:
برای اسرائیلی‌ها
مفید است که او را
نمایش دهند... آن‌ها
می‌توانند او را نشان
دهند و بگویند ببینید،
ایرانی‌ها خودشان
می‌خواهند بمباران
شوند

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



RS

بریکس در مورد امنیت سخت و ژئوپلیتیک صریح‌تر می‌شود

سران گروه بریکس در نشست ریو دو ژانیروی برزیل، در بیانیه خود بخش مهمی را به مسائل ژئوپلیتیک و امنیتی اختصاص دادند و به‌صورت ویژه در مورد بمباران اخیر یکی از جدیدترین اعضای این گروه، یعنی ایران و همچنین در مورد غزه سخن گفتند. نشست ریو، بزرگ‌ترین نشست این گروه تا به امروز بود که شامل ۱۰ عضو و ۱۰ کشور شریک می‌شد. اندونزی جدیدترین عضو امسال گروه است. در دنیایی که روزبه‌روز بیشتر در تنش و منازعه فرو می‌رود، بریکس تصمیم گرفت که بیش از پیش وارد مسائل ژئوپلیتیک و امنیت سخت شود و در عین حال توانست اجماع فوق‌العاده‌ای در مورد این مسائل از خود نشان دهد. بریکس یک سازمان رسمی نیست، بلکه یک ائتلاف نه‌چندان محکم از کشورهای شرق جهانی (روسیه و چین) و تعدادی از دولت‌های جنوب جهانی است. سال ۲۰۰۹ نخستین اجلاس سران این گروه با حضور چهار کشور برزیل، روسیه، هند و چین تشکیل شد و پس از آن آفریقای جنوبی هم به این گروه افزوده شد. بعد از سال ۲۰۲۳، مصر، اتیوپی، اندونزی، ایران و امارات متحده عربی به عنوان ۵ عضو جدید به این گروه اضافه شدند و ۱۰ کشور شریک دیگر هم در سطح پایین‌تری از همکاری وارد گروه شدند. اهداف اولیه بریکس برای اقتصاد جهانی، اقدام مشترک و تقویت نظام چندقطبی، همچنان بن‌مایه اصلی بیانیه سران بود. چند پاراگراف اختصاصی در این بیانیه به توسعه فناوری‌های مالی (فین‌تک)، بهداشت، تجارت و تغییر اقلیم اختصاص داده شده بود. بریکس که به‌صورت سنتی بیشتر روی همکاری‌های اقتصادی متمرکز بود، از سال ۲۰۲۲ که جنگ روسیه و اوکراین آغاز شد بیش از پیش وارد مسائل ژئوپلیتیک و امنیت سخت شده است. بریکس توانایی ایجاد اجماع قابل توجهی در مقابل این مسائل چالش‌برانگیز نشان داده است و در بیانیه امسال، خاورمیانه، آفریقا و جنوب آسیا بیش از اوکراین مورد توجه بودند. در حوزه خاورمیانه، اشاره‌ای به نام ایالات متحده آمریکا نشده بود و از آن انتقاد نشده بود، اما در عوض ۷ بار نام اسرائیل در چارچوب انتقادها ذکر شده بود. از اسرائیل تصریحاً و تلوياً به دلیل اشغال سرزمین فلسطین، منع دسترسی بشردوستانه و هدف قرار دادن امدادگران، استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی، نقض تمامیت ارضی و استمرار اشغال لبنان انتقاد شده بود و به شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل در دیوان دادگستری بین‌المللی اشاره شد. در این بیانیه به نام حماس و ۷ اکتبر هم اشاره‌ای نشده بود، اما بیانیه خواستار آزادی همه گروگان‌ها و بازداشت‌شدگان شد. نکته قابل توجه این بود که نام اسرائیل و آمریکا به‌صورت صریح در بخش مرتبط با جنگ اخیر علیه ایران در بیانیه ذکر نشده بود اما بدون ذکر نام حمله‌ها به ایران محکوم شده بود و از ادبیاتی تندتر از بیانیه‌ای که دو هفته پیش بریکس در همین زمینه داده بود، استفاده شد. در این زمینه به ضرورت اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد هم اشاره شده بود. در مسائل دیگر امنیتی هم حمله تروریستی پهلگام کشمیر در هند و حمله به غیرنظامیان در کورسک روسیه محکوم شده بودند. نقش پاکستان و اوکراین در این مسائل مورد اشاره قرار نگرفته بود. در بخشی از بیانیه به صورت خاص در مورد مبارزه با تروریسم در سودان، سوریه و هند مورد اشاره قرار گرفته بود. منازعه در سودان، سوریه و هائیتی هم در پاراگراف‌های جداگانه مورد اشاره مستقیم قرار گرفته بود. منطقه دریاچه‌های بزرگ در شاخ آفریقا هم به صورت ویژه از نظر امنیتی مورد توجه قرار گرفته بود. با این حال بخش اصلی بیانیه به مسائل غیرامنیتی، از جمله تأمین مالی برای توسعه، غذا، بهداشت، علوم، فضا و آموزش اختصاص داشت. موضوع تغییر اقلیم و محیط‌زیست که از جمله اولویت‌های برزیل است در یک بخش ویژه مورد بحث قرار گرفت و با توسعه اقتصادی پیوند خورده بود. این بیانیه همچنین سیاست‌های جدید تجاری و تعرفه‌ای آمریکا را مورد انتقاد قرار داده بود. در نهایت اینکه بریکس جهان را همین حالا هم چندقطبی می‌بیند. چندقطبی بودن در این بیانیه به رسمیت شناخته شده و ترویج شده است. در واکنش به این بیانیه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد که علیه کشورهایی که با بریکس همکاری کنند، ۱۰ درصد تعرفه بیشتر وضع می‌کند.